

حقیقت سوختہ

پہلے سرائے والے سیاسی امیر المؤمنین علیہ السلام با خلفاء و دیگران

سید مہدی مجتہد سیستانی

شایک	978-600-5485-55-4:
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۹۸۷۰۳:
عنوان و نام پدیدآور	حقیقت سوخته : پرسشنامه روابط سیاسی امیرالمومنین علیه السلام با خلفاء و دیگران / سید مهدی مجتهدسیستانی. تهران: بوستان قرآن، ۱۳۹۷.
مشخصات نشر	تیراژ: ۱۴۳۰.
مشخصات ظاهری	۴۳ص.
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- سیاست و حکومت
موضوع	Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Politics and government
موضوع	اسلام و دولت
موضوع	Islam and state:
موضوع	اسلام و سیاست
موضوع	Islam and politics:
موضوع	۲۹۷/۹۵۱۵:
بندی دیوبی	۳۳۹۷ / ۳۸/۰۹
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ / ۳۸/۰۹
سرشناسه	مجتهد سیستانی، سید مهدی، ۱۳۶۵ -
وضع فهرست نویسی	فبا

حضرت مهرداد (ع)
برای فرج من زید... این زیاد دعا کردن خود فرج و گشایش در کارهای شماست.



حقیقت سوخته

پرسشنامه روابط سیاسی امیرالمومنین علیه السلام با خلفاء و دیگران

مؤلف: سید مهدی مجتهد سیستانی

ناشر: انتشارات بوستان قرآن

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۷

چاپخانه: سلیمان زاده

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۸۵-۵۵-۴

مراکز بخش و فروش:

تهران، انتشارات بوستان قرآن تلفن: ۵۵۹۳۷۷۹۵ همراه: ۰۹۳۵۲۵۸۹۰۹۴

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برای انتشارات بوستان قرآن محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست

مقدمه: ۷

فصل اول: شبهات روابط فامیلی و عاطفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) با خلفاء ... ۱۵

سؤال اول: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ام کلثوم را به ازدواج عمر درآوردند؟ ۱۷

آخرین سخن، آخرین تحقیق: ۴۴

سؤال دوم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) نام فرزندشان را عمر گذاشت؟ ۴۹

آخرین سخن، آخرین تحقیق: ۷۰

سؤال سوم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) نام فرزندشان را ابوبکر گذاشتند؟ ۸۰

سؤال چهارم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) نام فرزندشان را عثمان گذاشتند؟ ۸۵

خلاصه‌ای از پاسخ به سه سؤال آخر ۸۹

سؤال پنجم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) با هدیره ابوبکر ازدواج کردند؟ ۹۲

فصل دوم: شبهات واکنش امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت به خداداد سقیفه ۹۹

سؤال اول: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اجتماع سقیفه حضور نیافتند؟ ۱۰۱

سؤال دوم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیعت ابوسفیان را نپذیرفتند؟ ۱۰۱

سؤال سوم: چرا حضرت فاطمه (علیه السلام) پشت در رفتند؟ ۱۰۶

سؤال چهارم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) با ابوبکر بیعت کردند؟ ۱۰۹

فصل سوم: شبهات روابط سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) با خلفاء سه گانه .. ۱۱۵

سؤال اول: چرا خلفاء با امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشورت می نمودند؟ ۱۱۷

سؤال دوم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) با عمر همکاری می کردند؟ ۱۲۴

سؤال سوم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرماندهی لشکر ابوبکر را پذیرفتند؟ ۱۲۶

سؤال چهارم: چرا حسنین (علیهم السلام) در جنگ طبرستان حضور داشتند؟ ۱۲۷

سؤال پنجم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) جانشینی در مدینه از عمر را پذیرفتند؟ ... ۱۲۸

سؤال ششم: علت شکست بعضی اصحاب در جنگها یا قبول پست های دولتی چه

بود؟ ۱۲۹

سؤال هفتم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مقابل تحریف سکوت می نمودند؟ ۱۳۱

سؤال هشتم: چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ابن عوف را برای خلافت نپذیرفتند؟ . ۱۳۴

سؤال نهم: علت تلاش امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای کشته نشدن عثمان چه بود؟ ۱۳۵

فصل چهارم: شبهات روابط سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دوران حکومت

خویش با دیگران ۱۳۷

سؤال اول: علت عدم پذیرش درخواست طلحه و زبیر چه بود؟ ۱۳۹

سؤال دوم: علت عدم ابقاء معاویه بر حکومت شام چه بود؟ ۱۴۱

سؤال سوم: اگر فدک برای حضرت فاطمه (علیها السلام) بود چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان

حکومت خویش فدک را پس نگرفتند؟ ۱۴۲

مقدمه:

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»^۱

دین مهمترین سرمایه‌ای است که هر شخصی دارد زیرا سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت او در گرو آن است برای همین حفظ آن از انحراف و افراط و تفریط، ارزشمندترین تلاشی است که هر فردی انجام می‌دهد. این در حالی است که من دارای سه شاخه اصلی عقاید، احکام و اخلاق می‌باشد که اگر کسی در هر کدام از اینها دچار سستی یا انحراف شود، راه سعادت را نخواهد پیمود.

اما اگر نگاهی به ادیان قبل از اسلام بیندازیم، می‌بینیم که همه آنها یا دستخوش تحریف و انحراف گشت و یا به دست فراموشی سپرده شده‌اند. البته این مسئله در دوره قبل از اسلام نقص اصلی بر اصالت دین وارد نمی‌کرد، زیرا پیامبر جدیدی مبعوث می‌شد و مردم را به راه سعادت رهنمون می‌گشت، ولی برای آخرین دین، وقوع چنین مسئله‌ای (تحریف و انحراف) غیر قابل تصور می‌بود زیرا دین خاتم که ناسخ همه ادیان گذشته، جای فرأگیر، و مدعی کمال می‌بود هرگز با رخداد تحریف در آن نمی‌ساخت. پس باید برای حفظ فراگیری و کمال خود برنامه‌ای جدا از برنامه‌های ادیان گذشته می‌داشت تا بتواند به بقای خود ادامه دهد.

و خدا ﷻ در همین راستا کتاب آسمانی دین اسلام را کتابی معجزه گونه قرار دادند که بر خلاف کتب ادیان پیشین قابل تحریف نبود. اما آیات آن را به گونه ای نازل فرمودند که مطالب ژرفش در باطنش مخفی باشد به گونه ای که نیازمند مفسری الهی باشد. قرآن در این زمینه می فرماید: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم»^۱، و با آیه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»^۲ راه را است را برای مردم بعد از پیامبر ﷺ نشان داد. زیرا از آن جا که ولایت اولی الامر را قرین ولایت بی چون و چرای رسول و خدا ﷻ قرار داده، بر همگان فهماند. کسانی هستند که عقل، ولایت بی چون و چرای ایشان را پذیراست، یعنی شخصی که نداننده علم مطلق و عصمت کبری و در یک جمله: پرکننده جای خالی پیامبر ﷺ باشد. زیرا هرگز نمی توان اطاعت بی چون و چرای کسی را پذیرفت که هم چون دیگر مردم، نادانی، خطا و اشتباه برایش رخ می دهد و از ارتکاب گناهان مختلف امان نباشد، و خدا ﷻ نیز به آنچه که عقل پذیرا نیست دستور نمی دهد.

در نتیجه قطعاً منظور از اولی الامر، شخصیت های ممتازی بوده که گوی سبقت را از همگان ربوده و در ردیف مقامی پس از پیامبر ﷻ قرار داشته اند. و علت قراردادن چنین شخصی به عنوان جانشین پیامبر ﷻ به خاطر

۱. نحل: ۴۴

۲. نساء: ۵۹

همان دو مطلبی است که بیان کردیم یعنی جاودانی و کمال دین اسلام، و نیز: در
گرو بودن سعادت بشر نسبت به دارا بودن عقاید و احکام صحیح.

این گونه است که پی می بریم چرا روشن شدن حوادث رخ داده در صدر
اسلام و پس از وفات پیامبر ﷺ یعنی ماجرای سقیفه و حمله به خانه وحی
اینقدر مهم است.

حال عده ای را می بینیم که با بی اعتنایی نسبت به آن مسائل می گویند: چه
فرقی می کند که حسن را علی علیه السلام بوده یا عمر؟ یا: با اثبات حمله عمر به خانه
حضرت زهر علیه السلام و ضرب و شتم ایشان چه چیزی ثابت می شود؟ یا: این
مباحث چه دردی از جامعه امروز مسلمانان دوا می کند؟ بیایید با کنار گذاشتن
اختلافات واقع در صدر اسلام همینک همه با هم آشتی کنیم! و سخنان دیگر.

در حالیکه اگر ما این مباحث را با جدیت پیگیری می کنیم دنبال آن نیستیم
که صرفاً تاریخ صدر اسلام را روشن کنیم که بالاخره به خانه وحی حمله شد یا
نه. بلکه هدف ما کشف مرجعیت علمی اسلام است. ما به دنبال عقاید صحیح
و احکام درست اسلام هستیم و تا مرجع واقعی علمی اسلام را شناسیم
نخواهیم توانست از عقاید و احکام اصیل اسلام برخوردار باشیم و در این
صورت هرگز ره به سعادت ابدی و ورود به بهشت نخواهیم برد.
آنچه که ما امروز به دنبال آن هستیم، داشتن عقاید و احکام صحیح است.
اینکه بدانیم آیا خدا طبق عدل عمل می کند یا نه؟ آیا بندگان در اعمال بد و

خوبی که انجام می‌دهند مجبورند یا مختار؟ آیا توسل به اولیاء خدا شرک است یا مورد رضایت خداست؟ کیفیت خواندن نماز چگونه است؟ آیا خوابیدن مبطل وضو هست یا نه؟ حج را چگونه باید انجام داد؟ چه چیزهایی روزه را باطل می‌کند؟ و صدها مسئله دیگر. چرا دانستن اینها مهم است؟ زیرا تنها کسی به عبادت ابدی می‌رسد که از عقاید درستی برخوردار باشد و احکام خویش را بر طبق نRAMین هدایت کند. انجام دهد. و اینجاست که این مسئله مطرح می‌شود: آیا حق با امیر المؤمنین و اولاد او علیهم‌السلام بود که عقاید و احکام را طور خاصی بیان کرده‌اند یا با دستگاه خلافت که بسیاری از عقاید و احکامی که ترویج می‌نمود مخالف بیانات علی علیه‌السلام و دیگران می‌بود.

هر چند نزد عده‌ای دانستن این مطالب هیچ اهمیتی ندارد زیرا آنها به اهمیت دارا بودن عقاید صحیح و رعایت کامل احکام پی نبرده‌اند و در یک جمله می‌گویند: خدا مهربان است، این حرف‌ها را رها کنید. برای خدا چه فرقی می‌کند که با دست بسته نماز بخوانیم یا دست زده؟ خدا هر چه هست همانست و با عقاید مختلف ما چیزی از خدا کم نمی‌رود! اما اینها متوجه نیستند که ما موظف به فراگیری عقاید صحیح و احکام اصیل اسلامی هستیم به گونه‌ای که با عدم فراگیری آنها دینی از ما پذیرفته نیست و همراه منکران دین به جهنم خواهیم رفت. ما به شناخت صفات خدا جل جلاله موظفیم. ما به انجام نماز به همانگونه که خدا جل جلاله فرموده مأموریم، و بنده، حق نافرمانی از دستورات

پروردگار ﷻ را ندارد و مهربانی خدا ﷻ جای فرامین ایشان را نمی‌گیرد. زیرا مهربانی بر کسی رواست که تلاش کرده، اما نرسیده یا گاهی هم سستی نموده، نه بر کسی که در عین قدرت بر فراگیری دستورات علمی و عملی پروردگار ﷻ با بی‌توجهی به همه آنها آنگونه که خود یا دیگران می‌خواسته اند رفتار کرده است! و اینگونه است که بررسی مسئله سقیفه و حمله به خانه وحی و تلاش در روسنیدن حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام یا عمر در اوج اهمیت قرار می‌گیرد تا ما بفهمیم آیا مرجع علم اسلام می‌تواند کسی باشد که نسبت هذیان‌گویی به پیامبر بزرگ اسلام ﷺ بدد؟^۱ یا می‌خواسته خانه دختر وحی را به آتش بکشد؟^۲ آری اینها باید روشن شود و ما خوشوقتیم که همه این مطالب به توفیق خدا ﷻ و همت والای محققان تلاش‌کننده بی‌تعصب شیعه روشن و بر ملا شده تا آنجا که فقیهان عربستان فتوا به حرمت دست و منازعه با شیعه داده اند!

به راستی اگر حق با آنان بود و دلیل‌های محکم بر عقاید و احکام خویش داشتند چه ترسی از مواجهه و مناظره با شیعیان (به همان آنها) سست مذهب و نادلیل داشتند؟ بلکه همین امر، خود خدشه بزرگی بر حاکمیت مذهب آنان است. لکن شیعه به راستی در طول قرون مختلف نه تنها تری از مناظره با اهل سنت نداشته که همیشه با دلی قرص و محکم و با تکیه بر حضرت رضی

۱. صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۹ و ج ۹ ص ۱۳۷، صحیح مسلم ص ۵ ص ۷۶

۲. تاریخ طبری ج ۳ ص ۲۰۲، الامامة والسیاسة ج ۱ ص ۱۹

علی علیه السلام یک‌ه تاز میدان مناظره بی تعصب بوده است. زیرا حقانیت شیعه مثل روز روشن است و اثبات آن از آیات متعدد قرآن و روایات فراوان خود اهل سنت، از خوردن یک وعده غذا راحت‌تر می‌باشد.

آری شیعه می‌تواند عموم عقاید خود را از کتب اهل سنت ثابت کند، پس عذرهای در حقانیت تشیع نیست! اما از آنجا که شیعه در طول تاریخ اسلام همیشه تحت سلطه مخالفین و معاندین بوده، نتوانسته آنطور که باید خود را در زمینه احکام و عقاید اخلاق پرورش دهد و لاجرم گهگاهی با سلطه شیعه نمایان غیر معتقدان سائیه قاجار و پهلوی، باب شبهات و احکام گریزی و فراموش شدن اخلاق اسلامی باز شده، بسیاری از مردم شیعه گرفتار این هجمه و حمله شدید گشتند، در نتیجه دیده می‌شود که بعضی شیعیان در نماز و قرآن و یادگیری احکام سستی می‌کنند و در مقابل شبهات مختلف اعتقادی زود منحرف می‌گردند و اهل سنت همین مسئله را موجب وهن مذهب شیعه می‌دانند. شبهات مختلفی پیرامون حقانیت قرآن، حقانیت اسلام، حقانیت قیام امام حسین علیه السلام و حقانیت احکام و عقاید شیعه، در همین راستا خود فروختگانی که به نام شیعه جولان می‌دهند، باب وسیعی از شبهات را درباره عقاید شیعه باز نموده، به شدت بر آن حمله ور شده و به گونه‌ای وانمود می‌کنند که اکثر این عقاید، باطل بوده، حق با اهل سنت است.

ما در همین زمینه به پاسخ برخی از این شبهات پیرامون روابط سیاسی

امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفا و دیگران پرداخته‌ایم.

دو نکته:

۱. نیمی از کتاب حاضر چکیده تلاش علی آقا لباف در دانشنامه روابط سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفاست که سعی کرده‌ام با تلخیص و ترتیب مهمترین مباحث آن و رفع نواقص و افزودن مطالبی چند، متنی روان و مختصر و در عین حال کاملتر به خواننده محترم ارائه دهم.

و این چنین بود که حقیر با کسب اجازه از ناشر محترم کتاب دانشنامه، به چاپ کتاب حاضر اقدام نمودم.

۲. کتاب حاضر در چهار فصل مرتب شده است که فصل اول آن مربوط به شبهات روابط فامیلی و عدلی امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفا، فصل دوم مربوط به شبهات واکنش امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به ارتداد سقیفه، فصل سوم شبهات مربوط به روابط سیاسی حضرت با خلفای سه گانه، و فصل چهارم شبهات مربوط به روابط سیاسی حضرت در دوران حکومت خود با دیگران است.

در پایان خدای را بر این منت شاکرم و از مادر عزیزم که مرا با شیر ولایت پرورش داد سپاسگذارم.

اللهم عجل لوليک الفرج و السلام علیکم

سید مهدی مجتهد سیستانی

۱۹ رمضان ۱۴۳۱